**ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام**

**طلوع خورشید در خانه وحی**

در سال سوم هجرت و در شب نیمه ماه رمضان ـ که بهترین ماه های خداست ـ خانه امیرالمؤمنین و فاطمه علیهماالسلام میزبان قدوم مولود مبارکی شد که شادی را با خود به خانه وحی آورد. در این شب فرخنده، سبط اکبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، حضرت امام حسن علیه السلام چشم به جهان گشود و شهر مدینه را غرق نور کرد.

**مژده میلاد**

هنگامی که امام حسن علیه السلام به دنیا آمد رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در سفر بودند و امیرالمؤمنین و فاطمه علیه السلام چشم به راه بازگشت. ایشان پیامبر پس از مراجعت از سفر، طبق معمول ابتدا به خانه فاطمه علیهاالسلام وارد شد. هنگامی که خبر تولد نوزاد را به ایشان دادند، شادمانی وجود حضرت را فرا گرفت.

**نام گذاری کودک**

هنگامی که کودک را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آوردند، حضرت رو به علی علیه السلام کرده، فرمود: «آیا او را نام گذاری کرده ای؟» عرض کرد: «من در نام گذاری وی بر شما پیشی نمی گیرم». رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «من هم در نام گذاری بر خداوند سبقت نمی جویم». در این هنگام جبرئیل از آسمان فرود آمد و از سوی خدای متعال به وی تهنیت گفت و سپس اظهار داشت: «خداوند تو را فرمان داده که نام پسر هارون، «شبر» را بر او بگذاری». حضرت فرمود: «زبان من عربی است». جبرئیل عرض کرد: نامش را «حسن» بگذار و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم او را «حسن» نامید.

**شرافت نسب**

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام اولین مولودی است که از نظر شرافت نسب هیچ کسی به پای او نمی رسد. جد بزرگوارش پیامبر و خاتم الانبیا، پدر گرامی اش اولین امام و سیدالاوصیا، و مادر مکرمش، صدیقه اطهر سیدة النساست. هیچ کس قبل از امام حسن علیه السلام دارای چنین شرافت نسب و خاندانی نبوده است. او در مکتب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام رشد یافت و در دامان برترین زنان عالم، حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام ، بزرگ شد.

**کنیه و القاب حضرت**

کنیه آن حضرت «ابومحمد» بوده است. جد بزرگوارش او را «ابومحمد» خطاب می نمود و کنیه دیگری برای آن حضرت ذکر نشده است.

اما برخی از القاب آن حضرت بدین شرح است: زکیّ، مجتبی، سیّد، تقی، نقی، طیّب، ولی و برّ مشهورترین این القاب، مجتبی و تقی است و نیز سیّد، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم امام حسن علیه السلام را بدان ملقب فرموده اند.

**ریحانه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم**

می توان گفت بهترین و شادترین دوران زندگانی امام حسن علیه السلام همان دورانی است که با رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم گذشت. امام حسن علیه السلام حدود هفت سال و شش ماه از عمر شریفش را در کنار جد بزرگوارش سپری نمود و از محبت های بی دریغ و بسیار ایشان بهره برد. علاقه و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به حسن و حسین علیه السلام به جایی رسیده بود که آن دو کودک را «ریحانه» می خواند و در جواب یکی از صحابه که عرض کرد: «ای رسول خدا، آیا ایشان را دوست داری؟»، فرمود: «چگونه ایشان را دوست ندارم این دو تن گل های خوش بوی من از دنیا هستند و من آن دو را می بویم»، و همین مضمون را درباره امام حسن علیه السلام فرمودند: «به راستی که او گل خوش بوی من در دنیاست و به راستی که این پسر من سیّد و آقاست».

**شأن و مقام امام حسن علیه السلام در کودکی**

بزرگی منش و سترگی روح آن امام، چندان بود که پیامبر ارجمند اسلام صلی الله علیه و آله وسلم او را با کمی سن، در برخی از عهدنامه ها گواه می گرفت. آن گاه که پیامبر به امر خدا، با اهل نجران، به مباهله برخاست، امام حسن و امام حسین و حضرت علی و فاطمه علیهاالسلام را نیز به فرمان خدای، همراه خویش برد و آیه تطهیر در پاک دامنی آن گرامیان فرود آمد.

**شباهت به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم**

حضرت امام حسن علیه السلام از نظر صورت و سیرت در بین ائمه اطهار علیه السلام شبیه ترین آنان به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است. وقتی امام حسن علیه السلام به دنیا آمد شباهت بسیاری به جد بزرگوارش داشت و این شباهت بعدها در چهره، رفتار و گفتار آن حضرت بیشتر نمایان شد. علاوه بر چهره جذاب و نورانی، راه رفتن و صحبت کردن حضرت نیز مانند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود. حُسنِ خلق، کرامت، جوان مردی، یتیم نوازی و دیگر سجایای اخلاقی را نیز آن حضرت از جدّ گرامی اش به ارث برده بود. شیخ مفید در کتاب معروف خود، ارشاد، آورده است: «و حسن علیه السلام چنان بود که از نظر خلقت و سیرت و سیادت شبیه ترین مردم به رسول خدا بود».

**آقای جوانان اهل بهشت**

در روایات بسیاری نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به امام حسن و امام حسین علیه السلام محبت فراوان داشت و می فرمود که آن دو سید جوانان اهل بهشت هستند. هم چنین در روایتی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هرکس دوست دارد به آقای جوانان اهل بهشت بنگرد، به حسن بنگرد». و این گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز مشهور است که فرمود: «اهل بهشت همگی جوان هستند» و این تذکر پیامبر به این دلیل است که عده ای فکر نکنند که برای پیران اهل بهشت نیز سیّد و آقایی خواهد بود. چنان که امام جواد علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، در بهشت پیری وجود ندارد؛ بلکه همگی جوان هستند».

**فضایل امام حسن علیه السلام در کلام امام سجاد علیه السلام**

امام سجاد علیه السلام می فرمایند: حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان خود از همه عابدتر، زاهدتر و با فضیلت تر بود و هرگاه حج می رفت، پیاده، و چه بسا پابرهنه می رفت و هرگاه مرگ را به خاطر می آورد می گریست، و هرگاه رستاخیز و زنده شدن را از نظر می گذراند، اشک از دیده می ریخت و هرگاه گذر از صراط را در اندیشه می آورد، گریان می شد... و هرگاه به نماز بر می خاست، تنش در برابر خداوند عزوجل به لرزه می افتاد و هرگاه بهشت و دوزخ را به یاد می آورد چونان مار گزیده بی تابی می کرد و از خداوند، بهشت را طلب می کرد و از آتش دوزخ به او پناه می برد. او هرگاه عبارت «یا ایّهاالذین امنوا» را از قرآن می خواند، می گفت: «لبیک اللهم لبیک».

**پرهیزگاری امام حسن علیه السلام**

امام حسن علیه السلام توجهی ویژه به خداوند داشت. آثار این توجه را گاه از چهره او به هنگام وضو درمی یافتند: چون وضو می گرفت رنگ می باخت و به لرزه می افتاد. می پرسیدند که چرا چنین می شوی؟ می فرمود: «آن را که در پیشگاه خدا می ایستد جز این سزاوار نیست». از امام ششم علیه السلام نقل می کنند که فرمود: «امام حسن علیه السلام هم عابدترین مردمان زمان خویش بود و هم با فضیلت ترین. چون به یاد مرگ و... رستاخیز می افتاد. آن قدر می گریست تا بی حال می شد. پیاده و گاه پابرهنه، 25 بار به خانه خدا رفت».

**شجاعت امام حسن علیه السلام**

در بیان شجاعت امام حسن علیه السلام همین بس که او تربیت یافته شیر خدا، علی علیه السلام است که در جنگ ها به دشمن پشت نمی کرد و تا دشمن را به هلاکت نمی رساند، از پای نمی نشست. امام حسن علیه السلام نیز که از کودکی همراه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جنگ ها دیده بود و از پدر جنگاوری آموخته بود، در پیکار بسیار دلاور بود.

**بردباری امام علیه السلام**

امام حسن علیه السلام بسیار بردبار و شکیبا بودند. این صفت حضرت در برخورد با مشکلات و مصائب و نیز در روبه رو شدن با جاهلان و دشمنان بسیار آشکار بود. مردی از اهل شام به تحریک معاویه امام علیه السلام را به باد دشنام گرفت. پس از این که آن مرد ساکت شد، امام علیه السلام او را سلام گفته، فرمودند: «به گمانم در این شهر غریب هستی. اگر نیازمند خانه هستی به تو منزل دهیم، و اگر نیاز به مالی داری آن را در اختیارت می کنیم. اگر گرسنه ای سیرت سازیم و اگر نیاز دیگری داری کمکت کنیم». مرد شامی از عمل زشت خود پشیمان شد و در حالی که می گریست گفت: «تو و پدرت نزد من مبغوض ترین مردم بودید و اینک محبوب ترین آنها هستید». و این گونه مردی جاهل و فریب خورده با برخورد حلیمانه امام حسن علیه السلام هدایت یافت و در جمع دوستان اهل بیت علیه السلام درآمد.

**کرامت و بخشندگی امام علیه السلام**

کرم و سخاوت امام حسن مجتبی علیه السلام به حدی بود که در روایت آمده است که هیچ گاه سائلی را رد نکرد و در برابر درخواست او «نه» نگفت. به همین دلیل است که او را «کریم آل طه» می خوانند.

هنگامی که به ایشان عرض شد: «چرا هیچ سائلی را رد نمی کنید؟» فرمود: «من سائل درگاه خدا و راغبِ پیشگاه اویم و شرم دارم که خود درخواست کننده باشم و سائلی را رد کنم». و نیز می فرمود: «بهترین روزهای جوانمرد روزی است که از او چیزی درخواست شود».

**فروتنی همراه با سخاوت**

روایت شده است که حسن بن علی علیه السلام بر گروهی از فقرا گذشت که تکه نان های بر زمین نهاده و گرد یکدیگر نشسته بودند و از آن برمی داشتند و می خوردند. این جماعت به امام علیه السلام گفتند: ای پسر دختر رسول خدا، بفرمایید. حضرت فرود آمد و فرمود: «خداوند مستکبران را دوست ندارد» و همراه آنان به خوردن نشست تا از خوردن دست کشیدند. سپس امام علیه السلام آنها را به مهمانی دعوت کرد و اطعامشان نمود و جامه شان بخشید. امام علیه السلام چون از این کار فراغت یافت، فرمود: «فضیلت و برتری از آنهاست؛ زیرا آنها جز آنچه ما را بدان اطعام کردند، نداشتند ولی ما بیش از آن چه دادیم، داریم». این مطلب فروتنی فراوان امام علیه السلام را نشان می دهد.

**امام حسن علیه السلام در کلام مقام معظم رهبری(مدظله العالی)**

اگر امام حسن علیه السلام صلح نمی کرد، تمام ارکان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را از بین می بردند و کسی را باقی نمی گذاشتند که حافظ نظام ارزشیِ اصیلِ اسلام باشد. همه چیز به کلی از بین می رفت و ذکر اسلام برمی افتاد و نوبت به جریان عاشورا هم نمی رسید... امیدواریم خداوند به همه ما بصیرتی عنایت کند، تا بتوانیم این بزرگوار را بشناسیم و نگذاریم پرده جهالت و غبار بد شناختی که تا مدتها بر چهره آن بزرگوار بوده، باقی بماند؛ یعنی حقیقت را همه باید بفهمند و بدانند که صلح امام مجتبی علیه السلام همان قدر ارزش داشت که شهادت برادر بزرگوارش، امام حسین علیه السلام ارزش داشت و همان قدر که آن شهادت به اسلام خدمت کرد، آن صلح هم همان قدر یا بیشتر به اسلام خدمت کرد».

**بوی بهشت**

|  |  |
| --- | --- |
| عجبا کار مسیحا کند این بوی نسیم | بارالها، زکجا می رسد این لطف عمیم |
| عطر گیسوی پیمبر بود این بویْ مگر | یا که از باغ بهشت آید و جنات نعیم |
| یا رب این معجزه ها از اثر مقدم کیست | که چنین باد صبا زنده کند عظم رمیم |
| مگر از راه رسد شاه جوانان بهشت | کاورد بوی بهشت از همه سو پیک نسیم |
| خاکیان غرق سرورند، چو آید به زمین | گوشواری که مزیّن شد از او عرش عظیم |
| تا که نور «حسن» از منزل «زهرا» سر زد | طور ثانی شده آن خانه به موسای کلیم |
| میزبان گشته خدا و، پی اتمام کرم | شد به ماه رمضان جلوه گر آن نور قدیم |
| برتر از معجز شق القمر این جا بنگر | کامد آن شمس ضحی، ماه خدا گشت دونیم |
| خال رخسار «حسن» نقطه «بسم اللّه» است | خلق نیکوش بود معنی «رحمان» و «رحیم» |
| بحر حلم و کرمش را نبود پایانی | چون که او مظهر اسماء «حلیم» است و «کریم» |
| نار نمرود اگر سرد شد از یمن خلیل | به خدا مهر «حسن» سرد کند نار جحیم |

**بُعد معنوی انسان**

همان طور که می دانیم انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است، ولی متأسفانه برخی از مردم می پندارند که فقط باید از بعد مادی و جسمی خویش محافظت کنند و بیشتر اندیشه و همت خود را مشغول امور مادی می کنند. برخی از افراد بدون توجه به اهمیت روان و بعد معنوی وجودشان، افکار آلوده و مسمومی را از طریق کتاب ها و فیلم های مضرّ و طرق دیگر در روان و ذهن خویش وارد می کنند و پرورش می دهند و در نتیجه روح آنها مریض می شود و گناه در نظر آنها زیبا، جلوه می کند و به میزان مسمومیّت روح، از مسائل معنوی، کم تر لذت می برند؛ در حالی که این افراد می توانند به یاری روش های مختلف، غذاهای مفیدی را برای روح خود فراهم کنند. خوش بختانه در دین مبین اسلام به این مسئله اهمیت فراوان داده شده است. امام حسن مجتبی علیه السلام در این باره می فرمایند: «تعجّب می کنم از کسانی که در غذای جسم خود فکر می کنند، ولی در امور معنوی و غذای جان خویش تعقّل نمی نمایند. شکم را از غذای زیان بار حفظ می کنند ولی باک ندارند که افکار پلیدی در روان آنها وارد شود».

**زیبادوستی**

حس زیبادوستی از نعمات بزرگ الهی است که از جانب خداوند بخشنده در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است. این مسئله باید برای ما مسلمانان در هنگام نماز و حاضر شدن در پیشگاه الهی نمود بیشتری داشته باشد. پیشوایان دینی ما نیز حقیقتا در این زمینه الگوهای بسیار خوبی برای ما می باشند؛ چنانچه در روایتی آمده است که امام حسن مجتبی علیه السلام بهترین لباس های خود را در موقع نماز در بر می کرد. کسانی از آن حضرت سبب این کار را پرسش کردند. ایشان در جواب فرمودند: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد». از این رو خود را در پیشگاه الهی زینت می کنم. خداوند امر فرموده که با زینت های خود در مساجد حاضر شوید.

**استفاده صحیح از لحظات عمر**

عمر انسان با سرعت در حال گذر است و انسان عاقل و با ایمان همیشه درصدد است که از لحظات عمر خود به خوبی استفاده کند؛ چرا که استفاده صحیح و بهینه از عمر برای انسان هم می تواند دارای خیر مادّی و هم دارای خیر معنوی و فراهم آوردن توشه آخرت باشد. همان طور که می دانیم یکی از سؤالهایی که در بدو ورود انسان به عالم برزخ از او پرسیده می شود، این است که عمر خود را در دنیا چگونه گذرانده است. کسی که در دنیا از فرصت های زندگی اش برای آبادسازی خانه ابدی استفاده نکرده و فقط به امور دنیوی زودگذر و زرق و برق غفلت زا و لذت های ناپایدار اهمیت داده است ضرر بزرگی را در آخرت متحمّل می شود. دراین باره امام حسن علیه السلام می فرمایند: از فرصت زندگی استفاده کن و از آنچه اکنون در دست داری برای منازلی که در پیش داری بهره بردار که افراد باایمان برای فردای خود از دنیا، زاد و توشه تهیه می کنند و افراد بی ایمان، تنها از آن لذت و کام روایی می خواهند.

**فراگیری علم**

در دنیای امروز اگر کسی نسبت به کسب علم بی توجه باشد، ضرر سنگینی را متحمّل می شود؛ چرا که انسان متعهّد با فراگیری دانش و به کارگیری صحیح آن افزون بر عقب نماندن از کسانی که از دانش خود در مسیر نادرست استفاده می کنند می توانند پادزهر مناسبی در مقابل اعمال غلط و زهرآلود آنها تهیه کند و به این ترتیب با خدمات ارزنده ای که به هم نوعان خود ارائه می دهد، از لحظات عمر خود نیز حداکثر استفاده را برای فراهم آوردن خیر دنیا و آخرت کسب می کند. روزی حضرت مجتبی علیه السلام فرزندان خود و فرزندان برادر خود را دعوت کرد و به آنان فرمود: «همه شما، کودکانِ اجتماعِ امروزید و امید می رود که بزرگان اجتماع فردا باشید. دانش بیاموزید و در کسب علم کوشش کنید و هرکدام که حافظه قوی ندارید و نمی توانید در مجلس درس، مطالب استاد را ضبط کنید، آنها را بنویسید و نوشته ها را در منزل نگاه داری نمایید تا در موقع لزوم به آن مراجعه کنید».

**خیر خالص**

امتحانات الهی برای انسان های مختلف متفاوت است. گاهی اراده خداوند موجب می شود که به برخی از انسان ها نعمت های فراوان عطا شود و اگر آنها در این زمان شکر پروردگار را آن طور که شایسته ذات اقدس اوست به جا بیاورند، از امتحان الهی سربلند بیرون می آیند وگرنه نتیجه این امتحان خوشایند نمی باشد. برخی دیگر از انسان ها با انواع مشکلات امتحان می شوند که در این حالت صبر در برابر بلا یا مصائب موجب پیروزی در این امتحان الهی می شود. امام حسن مجتبی علیه السلام می فرمایند: «خیری که همراهش شر و بدی نیست عبارت است از سپاس برای نعمت و صبر در برابر مصائب است».

**مشورت از دیدگاه امام حسن علیه السلام**

در تعالیم اسلامی به مشورت کردن بسیار اهمیت داده شده است و ما را از خودسرانه تصمیم گرفتن نهی کرده اند؛ چرا که خودسرانه تصمیم گرفتن علاوه بر این که ما را از نظرات سازنده افراد آگاه محروم می کند، عواقب ناخوشایندی را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر مشورت با افراد آگاه در کارهای مهم علاوه بر موفقیت در آن کار موجب هدایت انسان ها به کمال و رشد می شود و به این طریق راه درست برای افراد نمایان می شود. امام حسن مجتبی علیه السلام در این باره می فرمایند: «ثمره مشاوره، هدایت به کمال و رشد است» و در جای دیگر می فرمایند: «هیچ قومی مشورت نکردند جز این که راه خود را یافتند».

**بردباری از دیدگاه امام حسن مجتبی علیه السلام**

نفْس انسان مانند اسب سرکشی است که باید با تمام قدرت مهار شود وگرنه خسارات جبران ناپذیری را به انسان وارد می کند. یکی از مصادیق مهار نفس بردباری است که انسان در موقع غضب خشم خود را فرو برد. اگر آدمی از بردباری لازم برخوردار نباشد، نتیجه ناخوشایندی به بار می آید. امام حسن مجتبی علیه السلام بردباری را یکی از ابزارهای مهمّ تملک نفس معرفی کرده در تعریف بردباری می فرمایند: «بردباری عبارت است از فرو بردن خشم و تملّک نفس».

**دوستی و دوست یابی**

دوست خوب یکی از نعمات بزرگ الهی است که باید برای به دست آوردن آن حداکثر دقت لازم را به کار برد، به این ترتیب که فرد منتخب برای دوستی را در موقعیّت های مختلف، به خصوص هنگام سختی ها، بیازماییم و تا از خلوص دوستیِ او اطمینان پیدا نکرده ایم به او نباید اعتماد کنیم. امام حسن مجتبی علیه السلام در این باره به یکی از فرزندان خود می فرمایند: «پسر جان! با هیچ کس طرح دوستی نریز، جز این که از رفت و آمدها (و خصوصیات اخلاقی اش آگاه شوی و چون به دقت وارسی کردی با او بر اساس گذشت و برادری رفاقت کن».

**شرط رسیدن به عظمت و بزرگی از دیدگاه امام حسن مجتبی علیه السلام**

چه خوب است که ما انسان ها در زندگی روزمره خود گذشت و فداکاری را پیشه خود سازیم و از کم گذشت بودن و به رخ کشیدنِ لغزش های دیگران بپرهیزیم؛ چرا که این عمل زشت ترین عیوب می باشد. اگر فردی در زندگی دارای گذشت باشد، از نظر امام حسن مجتبی علیه السلام به عظمت و بزرگی می رسد؛ چنانچه در جواب کسی که از ایشان پرسیده بود عظمت و بزرگی در چیست؟ فرموده بودند: «عظمت و بزرگی در این است که در هنگام ناداری عطا کند و از جرم و خطا درگذرد».